



## تأثیرات منفی بی بندوباری در پوشش بر خانواده ها / تعبیر عمیق قرآن از زن و شوهر

اساس و هسته هر جامعه ای خانواده است که اگر حفظ شود جامعه هم حفظ می شود، اما یکی از مسائلی که می تواند کیان خانواده را به خطر اندازد

اساس و هسته هر جامعه ای خانواده است که اگر حفظ شود جامعه هم حفظ می شود، اما یکی از مسائلی که می تواند کیان خانواده را به خطر اندازد بی بندوباری در پوشش است، چرا که بی بندوباری در پوشش به نوعی بی بندوباری در تحریک است و این امر بنیاد خانواده را سست و متلاشی می کند. به گزارش خبرگزاری مهر، خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. برای حفظ و کیان و عظمت آن باید مردم و مسئولین بکوشند تا این واحد ارزشمند قداستش کم رنگ نشود.

یکی از مسائلی که می تواند کیان خانواده را به خطر اندازد بی بندوباری در پوشش است، چرا که بی بندوباری در پوشش به نوعی بی بندوباری در تحریک است و این امر بنیاد خانواده را سست و متلاشی می کند. غریزه جنسی یکی از علل مهم ازدواج و به وجود آمدن خانواده است، اما پس از ازدواج هر چه زمان می گذرد نقش غریزه جنسی در حفظ دوام خانواده کمتر می شود و به جای آن نقش عشق، تفاهم و وفاداری در بقای خانواده بیشتر می شود.

عیرانی و خود نمایی آفت زندگی خانوادگی است و در یک کلام بی حجابی ریشه درخت خانواده را می خشکاند. تجربه نشان داده نه تنها در اسلام، بلکه در همه مرام های اجتماعی جهان، این نتیجه حاصل شده که خانواده باید محفوظ و محترم بماند و زن و مرد باید دلبسته و وفادار یکدیگر باشند تا آشیان دلپذیری برای فرزندان خویش بنا کنند و با تربیت آنها، آینده جامعه خویش را ترسیم کنند.

اما در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است هر زن و مردی همواره در حال مقایسه است، مقایسه آنچه دارد با آنچه ندارد و آنچه ریشه خانواده را می سوزاند. زنان و مردانی که در کوچه و بازار، اداره و دانشگاه با پوشش نامناسب ظاهر می شوند به دیگران فرصت مقایسه می دهند و این مقدمه ای برای ویرانی اساس خانواده است.

تجربه ثابت کرده که هیچ جامعه ای نمی تواند بدون خانواده برقرار بماند. در اسلام خانواده اهمیت بسیار دارد و شاید بتوان گفت که مطابق آنچه از مجموع معارف اسلامی استنباط می شود در میان نهادهای اجتماعی، خانواده در تربیت و تکامل انسان بزرگترین نقش و وظیفه را بر عهده دارد جامعه بدون خانواده پایدار نمی ماند.

هیچ یک از فیلسوفان و جامعه شناسانی که آمیزش جنسی اشتراکی را تجویز می کردند و می خواستند آن را جایگزین خانواده سازند نتوانستند حتی برای مدتی کوتاه، طرح خود را عملی سازند. اگر نمونه افلاطون دور از دسترس است نمونه مارکس قابل مشاهده و بررسی است. مارکسیست ها می خواستند با اشتراکی کردن روابط جنسی مسئله را حل کنند آنها معتقد بودند که شکل شرقی خانواده، محصول نظام های اقتصادی فئودالیسم و بورژوازی است و اختصاصی بودن روابط زن و مرد نتیجه "مالکیت خصوصی" و روبنای آن است و قهرا با سر آمدن دوره مالکیت خصوصی، خانواده خصوصی نیز محو خواهد شد.

انگلس در کتاب منشا خانواده، مالکیت خصوصی و دولت می نویسد؛ نخستین شرط رهایی زن، شرکت تمامی جنس مونث در صنایع عمومی است و این شرط نیز الغای خانواده فردی را به عنوان واحد اقتصادی جامعه اقتضا می کند. او می گوید؛ اقتصاد خانگی خصوصی به اقتصاد اجتماعی مبدل می شود کار مراقبت و پرورش کودکان یک امر عمومی خواهد شد. جامعه از کودکان چه مشروع و چه نامشروع به طور یکسان مراقبت خواهد کرد.

اما باید دید این اندیشه ها در عمل به چه سرنوشتی دچار شد. به محض اینکه پس از انقلاب کمونیستی در شوروی، تعدادی از ضوابط مربوط به نظام خانواده لغو گردید، آشفته گی و هرج و مرج و عواقب ناشی از آن به اندازه ای بالا گرفت که اصل انقلاب در معرض خطر افتاد.

این یک تجربه محسوس و ملموس است که ثابت می کند رابطه جنسی نظم و ضابطه می خواهد و اگر روابط نظم و ضابطه می خواهد در آن صورت تحریک غریزه جنسی نیز نظم و ضابطه لازم دارد و محدودیت هایی که در اسلام برای پوشش زنان و مردان وضع شده، گوشه ای از این نظم ها و ضابطه هاست. هیچ چیز منطقی تر از این نیست که گفته شود آنجا که ارضای یک غریزه امکان ندارد تحریک آن ظلم است و باید ممنوع شود و اگر نمی توانیم به گرسنه ای همه گونه غذا بدهیم، چرا باید اشتها را با عطر و بوی برخاسته از غذاهای اشتها انگیز تحریک کنیم.

قرآن زن و شوهر را در خانواده به "لباس" یکدیگر تشبیه می کند و می گوید؛ زنانان لباس شمایند و شما لباس زنانان. زن لباس شوهر و شوهر لباس زن است اگر در این تشبیه دقت کنیم آن را فوق العاده زیبا و پر معنی خواهیم یافت. لباس از همه چیز به تن انسان نزدیک تر است و محرم تر و همین لباس در عین نزدیکی به تن، تن را از دیگران می پوشاند و دور می سازد زن و شوهر نیز نسبت به یکدیگر چنین هستند، به یکدیگر نزدیک هستند و در عین حال هر یک از آن دو موجب حفظ عفت دیگری است، همان طور که لباس انسان را از عریانی و بی عفتی حفظ می کند.

علاوه بر این لباس هر کس مایه و قار و آراستگی اوست، همسر نیز مایه و قار و آراستگی فرد در زندگی اجتماعی است. تفاوت زن و شوهری که تشکیل خانواده می دهند با زن و مردی که در یک جامعه بی بند و بار رابطه جنسی برقرار می کنند این است که زن و شوهر مطابق تمثیل قرآنی، در حکم لباس یکدیگرند و مایه عفت و پوشیدگی یکدیگرند و حال آن که آن دو تایی دیگر موجب برهنگی و بی عفتی یکدیگر می شوند، یعنی دقیقا نسبت به یکدیگر عکس کار لباس را انجام می دهند.